

هذا الكتاب .. داستانِ این کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين،

وصلی الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً

كثير لغظ البعض في زماننا هذا على وصية رسول الله (ص) المقدسة، بل تجرأ بعض أدعياء العلم منهم ليطلق عليها أوصافاً يندى لها جبين الغيور على سيد الخلق ودين الله، كل هذا يحصل في محضر آل محمد (ص) بعد ابتداء دعوتهم الإلهية الكبرى اليوم واحتجاج ابنهم يمانى آل محمد بها، وهو ما يذكرنا باللغظ وقلة الأدب الذي مارسه البعض في محضره (ص) في أول زمان الإسلام في رزية الخميس سيئة الصيت.

در روزگار ما، فریادِ بعضی‌ها علیه وصیت مقدس رسول الله (ص) بلند شده است، تا جایی که بعضی از مدعیان علم، جرأت نمودند تا وصیت را به گونه‌ای توصیف کنند که بر پیشانی فرد باغیرت نسبت به سید مخلوقات و دین خدا، عرق شرم نشیند. تمام این مسایل، در حضور آل محمد (ع) پیش آمد، بعد از این که در این روزگار، دعوت بزرگ الهی خودشان را آغاز نمودند و فرزندشان -یمانى آل محمد (ع)- به آن، احتجاج نمود. این موضوع، ما را به یاد فریاد و بی ادبی بعضی‌ها در آغاز اسلام، در حضور پیامبر (ص) می‌اندازد؛ ماجرای «رزية الخميس» (مصیبت پنج شنبه) مصیبت بار.

و غرض الفاعلين في كلا الموقفين واحد، وهو التشويش على الناس وحملهم على الاستخفاف بدليل الأوصياء، وبالتالي تحقيق غرضهم الشيطاني في إبعاد الخلق عن دين الله الحق واتباع آل محمد (ص). فإذا كان قصد أولئك من التهريج الذي افتعلوه هو صدّ الناس عن ولاية وطاعة أول الأئمة الاثني عشر؛ الإمام علي (ع)، فإنّ

غرض المهرجين اليوم هو إبعادهم عن ولاية وطاعة أول المهديين الاثني عشر؛ الإمام أحمد (ع). ليستمر بعد هذا مسلسل الخطف والارتهان لأمة محمد (ص) عموماً وأتباع أهل البيت (ع) منهم بالخصوص، من قبل فقهاء السوء وأبواقهم، تلبيةً لأهوائهم وشهواتهم، وطمعاً في دنيا قذرة. ولذا فهم ليسوا من محمد (ص) ولا هو منهم، بل هم نتج الهرج، قال: (.. وكيف تهلك أمة أنا أولها واثنان عشر من بعدي من السعداء وأولي الألباب، والمسيح عيسى بن مريم آخرها، ولكن يهلك بين ذلك نتج الهرج ليسوا مني ولست منهم). [١٤]

هدف افراد هر دو گروه يكسان است: مُشوّش نمودن ذهن مردم و تا دليل اوصيا را خوار و خفيف نمايند تا در نهايت، هدف شيطاني خود را كه همان دور نمودن مردم از دين خدا و پيروي از آل محمد (ع) می باشد، محقق سازند. اگر هدف آنها از ايجاد فتنه ای كه (درحضور رسول الله (ص)) انجام دادند، بازداشتن مردم از ولايت و اطاعت اولين دوازده نفر يعنى امام على (ع)، بود، امروز نیز هدف فتنه گران، دور نمودن آنها از ولايت و اطاعت اولين از مهديين دوازده گانه يعنى امام احمد (ع)، می باشد، تا بعد از آن، به طور كلي، دزدی كردن از امت محمد (ص) و به طور خاص از پيروي اهل بيت (ع)، از سوی فقهای سوء (بد) و سخن گویان آنها، به جهت تاييد و پاسخ دادن به اميال و شهوت های خود و با طمع به دنيای آلوده، ادامه يابد. به همین دليل آنها از محمد (ص) نيستند و محمد (ص) نیز از آنها نيست، بلکه آنان، نتیجه ی فتنه و آشوب هستند؛ پیامبر (ص) فرمود: (.... و چگونه امتی هلاک می شود، در حالی که من اولين آنها و دوازده فرد بعد از من، از خوشبخت ها و صاحبان خرد، و مسيح (ع) عيسى بن مريم) آخرين آنها است، ولی افرادی كه دنبال آشوب هستند، در بين اينها هلاک می شوند؛ آنها از من نيستند و من نیز از آنها نيستم). [١٥]

(يهلك بين ذلك): أي بين وقت الأئمة الاثني عشر، وتحديدًا بعد غيبة الإمام الثاني عشر وبين ابتداء المسيح بدعوته في آخر الزمان، والتي تتحقق بإرسال الامام المهدي (ع) لوصيه ورسوله ويمانيه إلى الناس وابتداء الدعوة الالهية الكبرى، (نتج الهرج): أي هر ج علماء الضلال.

(بین اینها هلاک می‌شود): یعنی دوره‌ی بین زمان دوازده امام (ع) و به خصوص بعد از غیبت امام دوازدهم (ع)، و آغاز دعوت مسیح (ع) در آخرالزمان؛ دعوتی که با فرستادن وصی و فرستاده و یمانی امام مهدی (ع) از سوی ایشان به سوی مردم و آغاز دعوت بزرگ الهی محقق می‌شود. (نتیجه فتنه و آشوب): یعنی فتنه‌ی علمای گمراه.

وأکید أنّ من علائم هلاك الانسان واتصافه بأنه نتاج للهرج، أنك تراه يدعي الانتساب إلى محمد وآله (ع) ثم في نفس الوقت يتجرأ على وصيته المقدسة (وهي ذخره ورميته التي لا تخطئ صاحبها) ويصفها بأنها كلام عجائز أو فاسدة أو متهاكمة الخ، من كلمات يهتز لها عرش الله تعالى لشدة قبحها. والحال، أنّ الوصية متواترة معنًى ومحفوفة بعشرات القرائن القرآنية منها والروائية وحتى العقلية، كما يتضح ذلك لمن يطالع هذا السفر الكريم.

به طور قطع یک از نشانه‌های هلاکت انسان و مُتَّصِف شدن به نتیجه فتنه‌ی آشوب بودن، در این است که این فرد، خودش را به محمد (ص) و آل محمد (ع) مُتَّسِب می‌داند ولی در همان حال، نسبت به وصیت مقدس جرأت می‌کند و آن را به اوصافی مانند سخن پیرزن‌ها، کلام فاسد، یا سخن بی‌فایده.... و نظایر آن وصف می‌کند، کلماتی که به دلیل زشتی آنها، عرش خداوند متعال می‌لرزد؛ در حالی که وصیت، ذخیره و نشانه‌ای است که صاحبش را در اشتباه نمی‌اندازد. در عین حال، وصیت، متواتر معنوی است و دارای ده‌ها قرینه‌ی قرآنی، روایی و حتی عقلی است، همان طور که برای فردی که این کتاب ارزشمند را مطالعه نماید، روشن می‌شود.

وإذا كان مصير أولئك الطرد من قبل النبي (ص) والضلال، فإنه ذاته مصير هؤلاء إن لم يتوبوا؛ ذلك أنّ طالب الهداية والنجاة لا سبيل له إلا التمسك بما جعله النبي عاصماً للأمة من الضلال أبداً، ولأنّ للوصية المقدسة خطر عظيم عند الله وخلفائه فإنّ یماني آل محمد (ص) وأنصاره قد بینوا في عدة كتب الوصية وخطرها وقرائنهم وكيفية الاحتجاج بها، كما أجابوا عن الاشكالات التي أُثيرت ضدها، وقد ضمّ الموقع الرسمي للدعوة الیمانية المباركة تلك الاصدارات.

وقتی عاقبت آنها طرد شدن از سوی پیامبر (ص) و گمراهی بوده باشد، عاقبت این افراد نیز در صوت توبه نکردن، به همین این گونه خواهد بود؛ به این سبب که فردی که درخواست هدایت و نجات می‌کند، راهی جز چنگ زدن به آنچه پیامبر (ص) تا ابد به عنوان بازدارنده برای امت قرار داده است، ندارد و همچنین وصیت مقدس، جایگاه بزرگی نزد خداوند و خلفای او دارد. یمانی آل محمد (ع) و انصارش، در تعدادی از کتاب‌ها، وصیت، جایگاه آن، قراین آن و چگونگی احتجاج به آن را روشن ساختند و به اشکال‌هایی که علیه وصیت مطرح شده است، پاسخ دادند که در سایت رسمی دعوت مبارک یمانی، منتشر شده و موجود است.

وبين يدي الجميع هذا السفر المبارك أيضاً، والذي يضم بين دفتيه جوابين للإمام أحمد الحسن فيما يتعلق بالوصية المقدسة، وهما كغيرهما من أجوبته الشريفة انطويا على الحق الواضح والصريح والذي ليس بوسع مؤمن التتكر له إلا بالخروج من ربة المؤمنين والعياذ بالله.

این کتاب ارزشمند که در حضور شما قرار دارد، کتابی است که در بردارنده‌ی دو پاسخ از امام احمد الحسن (ع) در مورد وصیت مقدس می‌باشد. این دو پاسخ، مثل بقیه پاسخ‌های شریف ایشان، در بردارنده‌ی حق روشن و صریح است، که هیچ مؤمنی نمی‌تواند آن را انکار کند، مگر این که از حلقه‌ی مؤمنین بیرون رفته باشد؛ پناه بر خدا!

وكان لي تعليق مختصر على بعض الموارد رغبة في نفع طلاب الحق والهدى، وتأكيداً لتلك الرغبة وقطعاً لبعض الأعذار الواهية لدى البعض وضعت ثلاث ملاحق في آخر الكتاب ضمت بعض الروايات التي تؤكد كتابة الوصية من جهة، وتواتر مضمونها الشريف في الإشارة إلى المهديين الأوصياء وأولهم بالذات صلوات الله عليهم أجمعين، من جهة أخرى.

به جهت منفعت رساندن به طالبان حق و هدایت و از بین بردن بعضی از عذرهای واهی بعضی افراد، بنده توضیح مختصری به بعضی از عبارتها افزودم. سه پیوست در آخر کتاب قرار دادم که در آنها بعضی از روایاتی که به نوشته شدن وصیت تأکید دارد و از جهت دیگر روایاتی که به تواتر معنوی روایت وصیت که اشاره به مه‌دیین اوصیا و به خصوص در مورد اولین آنها (ع) اشاره دارد، آورده شده است.

هذا، ورجائي من الرب الكريم العفو والمغفرة، ومن صاحب الوصية المقدسة القبول والرحمة، ومن ابنه أحمد المظلوم الدعاء والشفاعة لعبد أسرف في حق ربه وأوليائه الشيء الكثير.

والحمد لله رب العالمين.

١٥ ذى القعدة ١٤٣٣ [١٦]

علاء

از پروردگار کریم، طلب بخشش و آمرزش، از صاحب وصیت مقدس، قبول و مهربانی و از فرزندش احمدِ ستم‌دیده (ع)، دعا و شفاعت برای بنده‌ای که در حق پروردگار و اولیای او زیاده‌روی و اسراف نموده است، تقاضا می‌کنم.

والحمد لله رب العالمين

١٥ ذو القعدة ١٤٣٣ هـ

علاء

[14] - الخصال للصدوق: ص 476.

1- خصال صدوق: ص 476

[16] - ١٠ مهر ١٣٩١ (مترجم).